

کلمات مترادف درس هفتم فارسی :

فرمانروا: آنکه بر سرزمینی حکومت کند – حاکم

گودال: چاله – جایی فرو رفته در زمین

به بار آمدن: میوه دادن – نتیجه دادن

سر حال: بانشاط، شاد

کاموا: نوعی نخ که با آن لباس زمستانی می بافند

قرض گرفتن: پول یا چیزی را از کسی گرفتن و بعد از مدتی پس دادن

صفا: صمیمیت – پاکی

ارزن: دانه ی ریز و براق خوراکی که غذای بعضی از پرندگان است

اندر آن: در آن

عاقبت: سرانجام – پایان چیزی

غصه: غم – اندوه

عادت: آنچه که بر اثر تکرار، رفتار همیشگی انسان شود

کلمات هم خانواده :

مختلف: اختلاف، خلاف

دقت: دقیق ، دقیقاً

خبر: اخبار ، مُخبر

معلوم: علوم، معلومات ، علم